یادداشت سردبیر



امین مالکی
هیأت علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَكَّبَ فِينَا آلَاتِ الْبَسْطِ وَ جَعَلَ لَنَا أَدَوَاتِ الْقَبْضِ

و حمد بی حد مر آن خدایی را که در آفرینش ما هم مایه گشایش و رهایی نهاد و هم ما را به اسبابِ قبض و خویشتن‌داری مجهز نمود

(صحیفه سجادیه)

خداوند را سپاس که توفیق انتشار ششمین شماره از مجله «سیاست‌پژوهی صنعت و توسعه» را اعطا نمود. موضوع محوری این شماره از مجله مبحث «تاب‌آوری» و «اقتصاد مقاومتی» است. اگر کاربردهای اصطلاح «تاب‌آوری» را در رشته‌های مختلف بررسی کنیم، در خواهیم یافت که این مفهوم عمدتا در سه تفسیر متفاوت به کار رفته است.

نخستین آن‌ها «بازگشت به حالت و موقعیت نخستین به گونه‌ای کشسان پس از یک اختلال است» که از آن به «تاب‌آوری مهندسی» یاد می‌کنیم. در اینجا تاب‌آوری به منزله «بازگشت» یک نظام به مسیر یا وضعیت پیشین خود پس از تجربه تکانه تعبیر می‌شود. در این برداشت، محور توجه بر سرعت بازگشت نظام به جایگاه پیشاتکانه است. در این تعریف تاکید بر میزان سرعتی است که یک نظامِ رانده‌شده از تعادل، در پی یک اختلال یا تکانه، مجددا به وضعیت تعادلی خود بازمی‌گردد و ویژگی‌هایی چون کارآیی، ثبات و قابلیت پیش‌بینی بیش از همه در آن برجسته است. در بعد اقتصادی، این تفسیر از تاب‌آوری در قالب نگاه بازگشتی، شباهت نزدیکی با ایده «پویایی تعادلیِ خودترمیم‌گر» در اقتصاد جریان اصلی دارد؛ جایی که فرض می‌شود وضعیت طبیعی یک اقتصاد حالت تعادل ایستا یا مسیر رشد متعادل بوده و اگر اقتصاد به سبب یک تکانه از وضعیت مفروض خود منحرف شود، سازوکارهای خوداصلاح‌گرِ بازار به‌طور خودکار فعال می‌شوند تا تعادل پیشین را بازگردانند. بنابراین، در چارچوبِ اقتصاد متعارف، تاب‌آوری به معنای «عملکرد آزادانه نیروهای بازار» تلقی می‌شود و هرگونه کندی یا ناتوانی در بازگشت به تعادل پیشین، نشانه‌ای از وجود «شکست‌های بازار» یا «اصطکاک‌های» مختل‌کننده روند اصلاح است.

تعریف دوم از تاب‌آوری بیشتر از جنس اکولوژیک است و آن را «تاب‌آوری زیست‌بومی» می‌نامیم که تاب‌آوری را «توانایی یک نظام برای جذب تکانه بدون تغییر در ساختار، هویت و کارکرد آن» می‌داند. در اینجا ظرفیت یک نظام برای جذب اختلال و در عین

حال بازسازمان‌دهی در خلال تغییر، به‌گونه‌ای که کارکرد، ساختار، هویت و بازخوردهای اساسی آن همچنان حفظ شود، تاب‌آوری تلقی می‌شود. البته این تعریف عاری از ابهام نیست؛ زیرا به روشنی مشخص نمی‌کند که چه میزان «بازسازمان‌دهی» یا «تغییر» می‌تواند رخ دهد و نظام همچنان واجد کارکرد، ساختار، هویت و بازخوردهای اساسا مشابه تلقی شود و از چه نقطه‌ای به بعد باید آن را در وضعیتی متفاوت دانست. بازآرایی هر نظام تقریبا ناگزیر با میزانی از دگرگونی در ساختار، کارکرد و در نتیجه هویت آن همراه است و همین امر مرز میان «پایداری» و «دگرگونیِ حالت» را مبهم می‌کند. در پسِ این تلقی از تاب‌آوری این فرض نهفته است که اگر شدتِ یک تکانه از ظرفیت جذب یا «توان بازگشت» یک نظام فراتر رود، آن نظام به سوی وضع یا حالت تعادلی دیگری سوق داده می‌شود؛ حالتی که معمولا نامطلوب‌تر از وضعیت پیشاتکانه تلقی می‌شود. مجددا در اقتصاد می‌توان مشابهاتی برای این تعریف یافت و مفهوم «تعادل‌های چندگانه» به همین موضوع اشاره دارد. امروزه پذیرفته شده که اگر تکانه وارد بر یک اقتصاد بسیار شدید باشد، می‌تواند رفتارها و ساختارهای اقتصادی را چنان دگرگون کند که اقتصاد دیگر به مسیر یا وضعیت پیشین خود بازنگردد، بلکه در تعادل جدیدی تثبیت شود. اثر چنین تکانه دائمی است، نه گذرا؛ اقتصاد «حافظه تکانه» را با خود حمل می‌کند و پدیده «تاریخ‌مندی رفتاری» رخ می‌دهد. در پاسخ به اینکه این تعادل‌های جدید دقیقا چه هستند و آیا می‌توانند بالقوه و به صورت نهفته در داده‌های اقتصاد حضور داشته باشند، دیده می‌شود که تعادل‌های چندگانه صرفا عموما نتیجه مفروضات از پیش ساخته و ساختار مدل‌های نظری بوده، فاقد امکانی تجربی برخاسته از پویایی تاریخی و واقعی اقتصاد هستند. اقتصاددانانی که رویکردی تکاملی دارند، استدلال می‌کنند که درست به دلیل تاریخ‌مندی رفتاری یا «وابستگی به مسیر»، تعیین از پیشِ این تعادل‌ها ناممکن است و پرسش از وجود یا عدم وجود آن‌ها فقط می‌تواند در مقام تحلیل پسینی مطرح شود.

سومین تعبیر از تاب‌آوری «تاب‌آوری تکاملی» است که ریشه در مباحث روان‌شناسی رفتاری و مهارت سازگاری افراد دارد. در آنجا تاب‌آوری سازگارانه برای توصیف توانایی افراد در استفاده از مهارت‌های مقابله‌ای و سازگارانه به‌منظور حفظ یا بازیابی سریع سلامت روان پس از فشارها، تروما یا بحران‌های فردی به‌کار می‌رود. افراد تاب‌آور با سازگاری پویای خویش، بازتولید و بازتنظیم خود را ممکن می‌سازند و افراد کم‌تاب‌آور تحت فشار مضطرب‌کننده زندگی فرسوده شده و آسیب‌پذیرتر می‌شوند. حال اما ایده «تنظیم سازگارانه» در بسیاری از کاربردهای امروزین تاب‌آوری تسری یافته به گونه‌ای که در وجه اقتصادی تعریف «توانایی یک نظام برای تحمل تکانه‌ها بدون از دست دادن ظرفیت تخصیص کارای منابع» را به دست می‌دهد؛ تعبیری که امکان تخصیص مجدد منابع و در نتیجه تغییرات ساختاری و کیفی را نیز در بر می‌گیرد. در همین وجه در مطالعات سازمانی نیز تاب‌آوری به‌عنوان «توان یک سازمان برای حفظ کارکردهای اصلی خویش در برابر اختلال، از طریق پیش‌بینی رویدادهای کلیدی، سازگاری مستمر با تغییرات و بازیابی سریع پس از بحران» تعریف شده است. در اینجا تاب‌آوری نه بازگشت به گذشته، بلکه نوعی «پیش‌جهش» است که ظرفیتِ سازگاری در برابر تکانه‌ها را در نظر می‌گیرد و بر تداوم و تغییر در نظام‌های خودتنظیم‌گر متمرکز می‌شود؛ نظام‌هایی که در برابر اختلالات درونی و بیرونی هم توان جذب و هم توان سازگاری دارند. در این تعریف خصیصه بنیادین «صلابت ساختاری» و «تزلزل‌ناپذیری» است. اگر در تعبیر سنتی، پایداری ساختاری به معنای این بود که ویژگی‌های یک نظام در برابر اختلال تغییر نکند و ساختار و کارکرد آن ثابت بماند، در اینجا در بحث «تزلزل‌ناپذیری» به توانایی یک نظام برای مقاومت در برابر اختلالات، حتی از طریق دگرگونی انعطاف‌پذیر برخی اجزا و ساختارهای آن، تاکید می‌شود. تغییری که به‌منظور حفظ یا بازگرداندن عملکردها و کارکردهای محوری صورت می‌گیرد. در تاب‌آوری تکاملی پایداری یا استحکام نه به معنای حفظ وضعیت‌ها یا ساختارهای موجود، بلکه ناظر بر حفظ کارکردها و عملکردهای کلیدی نظام است که ممکن است مستلزم تغییر در پاره‌ای شیوه عمل‌ها باشد و نیازمند انعطاف‌پذیری در شیوه عملکرد است.

پایداری یک نظام می‌تواند به اشکال گوناگونی بروز یابد. برای نمونه، زمانی‌که نظام برای بازگرداندن کارکرد و مسیر عملکرد پیشین خود، یعنی «بازگشت» به وضع قبل از تکانه، دستخوش دگرگونی‌های ساختاری و سازمانی می‌شود، گفته می‌شود که «انطباق پایدار» رخ داده است. در مقابل، اگر تغییرات ساختاری و سازمانی برانگیخته از تکانه، نظام را به سطحی تازه از کارکرد یا مسیر عملکرد هدایت کند، این حالت «گذار پایدار» نامیده می‌شود. این گذار پایدار به‌طور معمول مثبت ارزیابی می‌شود، زیرا توان نظام برای مقابله با تکانه‌های آتی را افزایش می‌دهد. بر این اساس، اگر تاب‌آوری در تعریف زیست‌بومی بر پایداری ساختارها و کارکردها در برابر تکانه‌ها تاکید دارد، تاب‌آوری تکاملی بر توانایی دگرگونی موفق در ساختارها، کارکردها و رفتارها دلالت می‌کند.

اگر سه تعریف مهندسی، زیست‌بومی و تکاملی از تاب‌آوری را به ترتیب به معنای «توانایی بازگشت از تکانه»، «توانایی جذب تکانه» و «توانایی سازگاری مثبت با تکانه» در نظر بگیریم، پارادایم «اقتصاد مقاومتی» در پی اتصال‌بخشی و ایجاد سازگاری بین این سه توان است. در حقیقت، ایده اقتصاد مقاومتی هر سه این تعریف را دربرمی‌گیرد و درعین‌حال فراتر از آنهاست؛ زیرا به نظام‌ها اجازه می‌دهد با جذب و بازگشت از تکانه، یعنی بازیابی یا حتی بهبود عملکردهای محوری و از رهگذر دگرگونی‌های ساختاری، کارکردی و سازمانی، به وضعیت مطلوب‌تری دست یابند.

امید نگاهی به محتوای این شماره به خواننده محترم نشان دهد که در این شماره تلاش شده تا مبحث اقتصاد مقاومتی از زاویه نگاه سیاست‌پژوهانه مد نظر قرار گیرد و تاکیدها بر جنبه‌های واقعی این پارادایم در عرصه عمل، در حوزه‌های خرد و کلان بوده است. تا چه پسندِ خاطرِ عاطر افتد.